

دکتر علیرضا استعلاجی
عضو هیئت علمی دانشکده

بررسی و تحلیل رویکردها و راهبردهای توسعه روستایی- ناحیه‌ای

چکیده

امروزه توسعه از مفهوم انگاره و بارادایم رشد اقتصادی محض خارج شده و علاوه بر رشد اقتصادی با پارادایم عدالت اجتماعی، توسعه انسانی، خوداتکایی و تعادلهای بوم شناسانه پیوند خورده است. براین اساس توسعه رامی توان تحول و ارتقای کمی و کیفی شرایط

زیست و تولید و فرهنگ بومی و جوامع انسانی در خلال زمان دانست. به طور کلی رویکردها و راهبردهای توسعه روستایی ناحیه‌ای را می توان بدین شرح بیان نمود:
رویکرد فیزیکی کالبدی (شامل راهبرد بهبود زیرساختها)
رویکرد اقتصادی شامل راهبردهای انقلاب سبز، اصلاحات ارضی، صنعتی شدن و نیازهای

اساسی
رویکرد اجتماعی فرهنگی شامل راهبردهای توسعه جامعه‌ای و مشارکت مردمی
رویکرد فضایی ناحیه‌ای و منطقه‌ای (شامل راهبردهای تحلیل مکانی، آگروپلین، یوفرد، نظام سلسله مراتبی سکونتگاهها، توسعه یکپارچه ناحیه‌ای، توسعه زیست ناحیه و توسعه پایدار)

از مجموع بررسیهای انجام گرفته در رویکردها و راهبردهای توسعه روستایی ناحیه‌ای در داخل و خارج از کشور چنین نتیجه می‌گیریم که تنها برنامه‌ای که به طور هماهنگ و همزمان می‌تواند جامع جمیع مسائل حیات روستایی با در نظر گرفتن نقاط مثبت تمامی راهبردها و دافع تأثیرات سو، آنها باشد، طرحی است که در قالب سیاستهای توسعه پایدار دنبال گردد. به طوری که علاوه بر بهبود شرایط سکونت، توزیع عادلانه درآمد و امکانات با شرایط زمانی و مکانی نیز انطباق لازم را ایجاد کند و تأثیر مستقیمی در بهبود کیفیت زیست داشته باشد. بر این اساس می‌توان گفت توسعه پایدار برآیندی از رویکرد خدمات محور، اقتصادمحور و تحول در تولیدات، رویکرد اجتماعی و بسط مشارکت مردمی و زیست ناحیه‌ای می‌باشد.

مقدمه

فرآیند برنامه ریزی توسعه و عمران، متناسب با مقتضیات زمان و مکان، مستلزم پویایی سنجیده و علمی از توسعه و حلقه‌های متصل از رویکردها و راهبردهای توسعه می‌باشد. در این راستا، ضمن استفاده از تجربیات گذشته باید جنبه‌های منفی را کنار گذاشته و از جنبه‌های مثبت هر رویکرد و راهبر با نگرشی سیستمی و متناسب با شرایط زمانی و مکانی استفاده نمود. یکی از علل عدم موفقیت در برنامه ریزیها، نداشتن دیدگاه سیستمی و ترکیب نگر می‌باشد. امروزه اعتقاد بر این است که برنامه ریزی روستایی بدون ارتباط با شهر و برنامه ریزی شهری بدون ارتباط با روستاهای اطراف، موفقیت آمیز نخواهد بود. به عبارت دیگر، برنامه ریزی باید ناحیه‌ای باشد. یعنی شهر و روستا را با هم در نظر بگیرید. بر این اساس در این مقاله رویکرد و راهبردهای توسعه روستایی ناحیه‌ای مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد.

۱- توسعه

۱-۱- معنا و مفهوم توسعه

توسعه به مفهوم تامین آرزوها و ایده‌ها در ارتباط با پیشها و نیازهای انسان، گرچه ریشه در تمدن قدیم بشری دارد، لیکن مطالعه در خصوص آن از پیشینه تاریخی کمتری برخوردار بوده و در اصل به قبل از سالهای ۱۹۵۰ بازمی‌گردد.

نخستین نظریه بنیانی در مورد توسعه و توسعه نیافتگی اقتصادی، در خلال سالهای دهه ۱۹۵۰ شکل گرفت. تا آن هنگام، سطحی پایین تر از توسعه و فقر، وضعیتی طبیعی تلقی می‌شد و در هر تلاشی که برای بهبود وضعیت صورت می‌گرفت، به عنوان یک موضوع قابل مطالعه مورد توجه قرار نمی‌گرفت.

اولین دهه توسعه ملل متحد (دهه ۱۹۶۰) بر اساس خوشبینی و همکاریهای بین‌المللی استوار بود. انهار این عقیده بودند که مشکلات

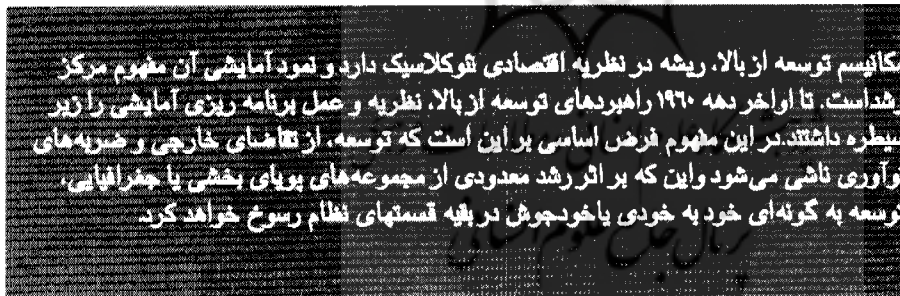
کشورهای توسعه نیافته، باید از طریق انتقال سرمایه، فن آوری و تجربیات کشورهای توسعه یافته حل شود. همچنین معتقد بودند که رشد اقتصادی موجب افزایش اقتدار کشورها شده و توسعه اقتصادی را فراهم می‌کند. بنابراین، چنین تفکری توسعه را از طریق رشد اقتصادی می‌دانست که از جوامع توسعه یافته ریشه گرفته است. اما در دهه دوم توسعه (۱۹۷۰) خطر فزاینده فقر و نابرابریها این خوش باوری که رشد اقتصادی به زودی به توسعه نیافتگی پایان خواهد داد را به یأس مبدل ساخت. بسیاری از کشورها از طریق اندازه گیری تولید ناخالص ملی (GNP) به رشد اقتصادی دست یافتند. اما درآمد حاصله به طور مساوی بین جمعیت این کشورها تقسیم نشد.

رشد همراه با برابری، یا توزیع توأم با رشد مفاهیمی هستند که در دهه ۱۹۷۰ به ظهور رسیدند. بدین ترتیب در این دهه رشد اقتصادی به عنوان مهمترین عامل در اندیشه و عمل توسعه، پذیرفته شده است. در دهه ۱۹۸۰ توسعه به عنوان یک مفهوم چند بعدی مدنظر قرار گرفت که دربرگیرنده بهبود گسترده در تمامی سطوح زندگی و رفاه همگانی برای جوامع بود. به علاوه این گونه استنباط می‌شد که موفقیت در امر توسعه تنها منحصر به الگو نبوده، بلکه مستلزم سرمایه گذاری در تمامی بخشها از جمله کشاورزی همانند صنعت است. در نتیجه توسعه نیازمند شکلی از پایداری بود که نه تنها شامل اقتصاد و فعالیتهای اجتماعی باشد، بلکه استفاده از منابع طبیعی و لحاظ کردن آثار توسعه در محیط زیست را نیز در برگیرد. ۲. به طور کلی نظریه‌های توسعه با توجه به

فرهنگی و اقتصادی است.

بر این اساس بین رشد و توسعه تفاوت وجود دارد. رشد، شامل تغییرات مثبت در یک زمینه خاص می‌شود، اما توسعه، تغییرات مثبت در همه زمینه‌ها را شامل می‌شود. می‌توان گفت که رشد اقتصادی مقدمه توسعه اقتصادی است. امروزه توسعه از مفهوم انگاره و پارادایم رشد اقتصادی محض خارج شده و علاوه بر رشد اقتصادی، با پارادایم عدالت اجتماعی، توسعه انسانی، خوداتکایی، تعادلهای بوم شناسانه و... پیوند یافته‌است. ۹. توسعه را در عبارتی کوتاه می‌توان تحول و ارتقای کمی و کیفی شرایط زیست و تولید و فرهنگ بومی و جوامع انسانی در خلال زمان دانست. این چنین توسعه‌ای باید خصایص عمومی زیر را داشته باشد:

- ۱ موجب بهبود کمی و کیفی شرایط برای اکثریت مردم شود.
- ۲ افرادی که از آن سود می‌برند، بیش از افرادی باشند که از آن متضرر می‌گردند.
- ۳ مردم را از رفع نیازهای ضروری آنها مطمئن سازد.
- ۴ موجب خوداتکایی گردد.
- ۵ یک بعدی نبوده و با سایر متغیرهای توسعه هماهنگی همه جانبه‌ای داشته باشد.
- ۶ باعث تخریب محیط زیست نگردد.
- ۷ بهبود طولانی و مستمر را به ارمان بیاورد.
- ۸ موجبات توسعه انسانی را فراهم سازد.
- ۹ پیشرفت شرایط اقتصادی یکی از عوامل و ابعاد مهم توسعه است، ولی تنها عامل نیست. دلیل آن نیز این است که توسعه صرفاً پدیده‌ای اقتصادی نیست. نهایتاً باید علاوه بر جنبه‌های مادی زندگی مردم سایر جنبه‌ها را نیز دربرگیرد.



مکتبهای توسعه از جمله مکتب نوسازی، مکتب وابستگی، مکتب مارکسیسم، مکتب نظام جهانی، مکتب ساختاری غیر مارکسیستی و... دارای تعاریف زیادی می‌باشند. ۳. ولی می‌توان گفت نظریه‌های توسعه تا حد زیادی تحت نفوذ مکاتب زیر بوده است:

نظریه‌های تکامل گرایان ۴ که به ویژه در دهه ۱۹۵۰ و اوایل دهه ۱۹۶۰ سریراوج یافت. نظریه‌های وابستگی ۵ و قطب گرایی فضایی ۶ و مدل‌های مرکز پیرامون ۷ و توسعه پایدار ۸

تعاریف و مفاهیم مختلف ارائه شده برای توسعه نشانگر توافق بر این دو نکته است: یکی اینکه توسعه به مثابه یک فرایند بارشده اقتصادی همسان نیست و دیگر آن که توسعه به منزله فرایندی چند بعدی یا چندمنظوره دارای ابعاد مختلف محیطی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی،

۱-۲- توسعه از بالا یا مرکز

مکانیسم توسعه از بالا، ریشه در نظریه اقتصادی نئوکلاسیک دارد و نمود آمایشی آن مفهوم مرکز رشد است. تا اواخر دهه ۱۹۶۰ راهبردهای توسعه از بالا، نظریه و عمل برنامه ریزی آمایشی را زیر سیطره داشتند. در این مفهوم فرض اساسی بر این است که توسعه، از تقاضای خارجی و ضربه‌های نوآوری ناشی می‌شود و این که بر اثر رشد معدودی از

مجموعه‌های پویای بخشی یا جغرافیایی، توسعه به گونه‌ای خود به خود یا خودجوش در بقیه قسمت‌های نظام رسوخ خواهد کرد. این گونه سازوکارها، علاوه بر برون‌نگری یا جهت‌گیری‌خارج، ماهیتا شهری، صنعتی و سرمایه بر بوده و زیر سلطه فن‌شناسی کاملاً پیشرفته و رهیابی پروژه‌بزرگ قرار داشتند. مفروضات کلی این مکانیسم به اختصار عبارتند از:

الف) نواحی مرکزی یا رده بالا اثر تعیین‌کننده خود را بر رده‌های پایین‌تر پیرامونی از طرق زیر اعمال می‌کنند:

- اثر سلطه
- اثر اطلاعات
- اثر روانی
- اثر مدرنیزاسیون
- اثر تولیدی

ب) نوآوری در مناطق مرکزی بیشتر است. ج) تحول ضروری اقتصادی فرهنگی و اجتماعی در یک زمان در کلیت نظام اجتماعی پدید نمی‌آید.

این مفاهیم کلی و عملی در واقع پیش‌تاز مفاهیم مرکز و رشد و اثرات نشتی (Down - Trickle) بودند که بعدها به صورت نظری تدوین گردید. بسیاری از کشورها مدتها بعد دریافته‌اند که چنین تمرکزی تا حدود زیادی به بهره‌برداری ناقص از نواحی پیرامونی کشور منجر خواهد شد که نتیجه آن رکود اقتصادی و اجتماعی این نواحی خواهد بود.

۱-۲-۱ راهبردهای مرکز به پایین

سابقه تاریخی ترسیم شده برای راهبردهای مرکز به پایین، مبتنی کاملاً

محسوب می‌شود. این سابقه عبارت است از اعتماد به رسوخ توسعه به پایین از طریق متخصصان فن‌سالار، برنامه ریزی سازمانهای کمک‌دهنده جهانی ضمن این که با تحریک مراکز نوآوری جهانی و تقاضای جهانی با این روند، حرکت به سوی راهبردهای ملی توسعه از مرکز به پایین تشدید خواهد شد.

در توجیه نارساییهای سیاستهای مرکز به پایین، غالباً استدلال شده است که منابع برای حل مسائل کلیه مناطق کشور به طور همزمان کافی نبوده است. سیاستهای ملی و مرکز به پایین به علت یکنواختی معیارها و تجزیه اقتصادی-اجتماعی و محیطی که در سطوح زیر ملی ایجاد می‌کنند، غالباً تمایل دارند سطوح زیر ملی دولت را وادار کنند تا با سرمایه‌گذاری ضروری در این زمینه نیازهای اساسی خود را قربانی کنند تا اثرات تجزیه‌کننده سیاستهای دولت مرکزی جبران شود.

به طور کلی می‌توان گفت در حالی که سیاستهای ملی مرکز به پایین به طور عمده با تخصیص منابع ملی به پویاترین بخشها و بهره‌گیری هرچه موثرتر در یک زمینه ملی و بین‌المللی سروکار دارند بخشهای باقیمانده و نواحی مسئله دار غالباً به سطوح پایین‌تر و ابتکارهای خودجوش از پایین به بالا واگذار می‌شوند. در حالی که درآمدهای مالیاتی پویاترین و کارآترین فعالیتها به طور عمده به حکومت ملی تعلق می‌گیرد، حکومتهای سطوح پایین‌تر و مراکز خودجوش باید مسائل فوری خود را که غالباً اساسی‌ترین نیازها را شامل می‌شوند، از منابع لایزال باقیمانده حل کنند. پیدایش اهداف مربوط به رشد همراه برابری، لزوم توجه به مسئله نیاز به عدم تمرکز مکانی و ایجاد سازمانهای محلی و ناحیه‌ای را بیشتر کرد. به این ترتیب لزوم توجه به سیاست عدم تمرکز و توزیع برابر مطرح گردید که این امر خود مستلزم آن بود که نه تنها مقدار زیادی سرمایه‌گذاری در مناطق پیرامونی انجام شود،

فرهنگی تاکید می‌ورزند. فریدمن «به استدلال درباره نوعی توسعه روستا شهری» می‌پردازد که در آن مفاهیمی از قبیل فضای زیستی و «جامعه سیاسی» به هم پیوند خورده‌اند. مبنای استدلال او را موازین سیاسی، بوم‌شناختی و فنی تشکیل می‌دهند. به عبارت دیگر سمت‌گیری اصولی توسعه از پایین و از درون و ناشی از خوداتکایی انتخاب را می‌توان در قالب شکل زیر تعریف کرد:

۱-۳-۱ پیش شرطهای ضروری و تضادهای اساسی رویکرد توسعه از پایین

معمولاً در شرایط مفروض، این سؤال اساسی مطرح است که تحت چه شرایط، مکانهای روستایی و مناطق کوچک از قدرت کافی برخوردارند تا بتوانند: تاثیرات اعمال نفوذ از بالا را کنترل کنند. فعالیتهای اقتصادی و اجتماعی را در هم آمیزند.



نیروهای کارکردی را کنترل کنند. کارساز و در عین حال دمکراتیک باشند. دارای هویت مستقلی بوده و نهضت تعاونی را به وجود آورند.

واحدهای سرزمین را با به حداقل رساندن نابرابریهای موجود تقویت کنند.

برای ایجاد چنین قدرتی در سطح محلی و ناحیه‌ای، در مقیاس کوچک حداقل دو شرط باید وجود داشته‌باشد:

- ۱ کنترل روابط مبادله بین ناحیه‌ای
- ۲ نیروی بالقوه داخلی یک ناحیه پیرامونی

پیش شرط اول: کنترل روابط مبادله بین ناحیه‌ای

خوداتکایی فضایی حتی در شکل خوداتکایی انتخابی نیز نلویحا به این نکته اشاره دارد که روابط مبادله بین ناحیه را می‌توان به نفع

بلکه معیار عدم تمرکز در فرایند تصمیم‌گیری سیاسی و برنامه ریزی اعمال شود که بویژه در برنامه‌ریزی، امکان انتخاب رهیافت پایین به بالا را در پی خواهد داشت.

۱-۳-۲ توسعه از پایین و از درون

هدفها، هنجارها و ارزشهای توسعه از پایین با معنای جدید توسعه پیوند دارد. در این راستا برای عینیت‌بخشیدن این سمت‌گیری، اصطلاحات مختلفی از قبیل خوداتکایی، توسعه ناحیه‌ای یکپارچه، نیازهای اساسی، توسعه زیست محیطی و توسعه روستا شهری و مانند آن را به کار برده‌اند.

فریدمن «و ویور» در تعریفی که از یکپارچگی سرزمین در فضا ارائه می‌دهند، بر اهمیت یکسان‌فضای اقتصادی، سیاسی و

نواحی پیرامونی کنترل کرد. این کنترل انتخابی باید شامل تمام حوزه‌های فعالیتی گردد که می‌تواند به نواحی پیرامونی صدمه بزند؛ از قبیل کنشهای متقابل میان نهاده و ستانده در زمینه کالا، خدمات، مالی، مبادله دانش فنی و نیز پیوندهای تکنولوژیکی و تشکیلاتی و فرایندهای تصمیم‌گیری، همچنین سلسله مراتب مستمر ساختارهای ارتباطی و مسکن و سرانجام فرایندها و ساختارهای تصمیم‌گیری دولت.

پیش شرط دوم: نیروی بالقوه داخلی یک ناحیه پیرامونی

مفهوم خوداتکایی تلویحا گویای این مسئله است که نیروهای بالقوه داخلی برای توسعه وجود دارد. این امر در بخش اقتصادی به معنای وجود مدارهای درون ناحیه‌ای و ایجاد پیوندهای رو به جلو و رو به عقب در درون ناحیه است. در این زمینه علاوه بر مسائل مربوط به نهادهای سیاسی، عوامل دیگری از این قبیل مطرح می‌شوند:

تقویت و یا ایجاد نهادهای جدید با هدف انجام بلندمدت در هماهنگی پیشنهادها و شکل‌گیری و پیدایش آگاهی ناحیه‌ای صورت گیرد. تهیه و اجرای برنامه‌ها و پروژه‌های مناسب برای ناحیه نیازمند پرسنل و نیز منابع فنی و مالی متناسب با آن است. بنابراین اداره امور محلی و ناحیه‌ای باید گسترش یا تخصیص مجدد یابد.

قدرت و کارایی معینی برای تصمیم‌گیری، ضروری است تا اعتماد به نفس را تقویت کرده و با حصول به نتایج سریع از ساختارهای ناحیه‌ای حمایت نماید. اگر می‌کوشیم تا در مورد دوام و استمرار یک استراتژی از پایین بحث کنیم، باید برای این تضاد راه‌حلهایی بیابیم. حداقل چهار نوع فضای زیستی متفاوت (اما وابسته به هم) وجود دارند که دارای چنین تضادهایی بوده و باید حل شوند. گو اینکه ماهیت راه حل احتمالا بسته به نوع فضای زیستی تغییر می‌کند:

از دیدگاه اقتصادی: باید سطح مناسب نهاده فنی و پویایی تعدیل شده فرایندهای فنی را پیدا کنیم تا از این رهگذر جمعیت‌های محلی و ناحیه‌ای بتوانند به راستی با نوآوریها سازگار شده و خود به مرحله نوآفرینی و خلاقیت برسند.

از دیدگاه بوم‌شناختی: باید از علاقه و توجه محلی و ناحیه‌ای نسبت به منابع طبیعی و بازخوردهای منفی ممکن حمایت کنیم.

از دیدگاه فرهنگی: باید در مورد ارزشهای واقعی و در عین حال باز و انعطاف‌پذیر و نیز شکلهای گوناگون فعالیت و بیان تحقیق شود.

از نظر مسائل سیاسی و نهادها ضروری است که به آمیزه درستی از توان و مسئولیت سطوح محلی ناحیه‌ای و ملی و بین‌المللی دست یابیم. ۱۰

۲- رویکردها و راهبردهای توسعه روستایی ناحیه‌ای

جهت بررسی سیر تاریخی طرحها و برنامه‌های توسعه روستایی و ناحیه‌ای دهه بعد از جنگ جهانی دوم، به عنوان نقطه آغازین ارائه و طرح راهبردهای توسعه روستایی، اهمیت و اعتبار بیشتری دارد. در اولین دهه توسعه پس از جنگ جهانی دوم راهبرد توسعه جامعه‌ای ۱۱» به کانون اصلی کمک توسعه مبدل گردید. توسعه جامعه‌ای یا توسعه اجتماعی محلی، اهداف توسعه اقتصادی سیاسی را توأم شامل می‌شد و نویدمی‌داد که هم، پایه‌های نهادی دموکراتیک را بنا کند و هم بدون تحولات انقلابی در نظم سیاسی و اقتصادی موجود در تأمین رفاه مادی روستاییان مشارکت نماید.

اگرچه جنبش توسعه اجتماعات محلی در خلال دهه ۵۰ به سرعت گسترش یافت و بسیاری از کشورهای در حال توسعه، توسعه جامعه ملی محلی را در پیش گرفتند، لیکن در اواسط دهه ۶۰ این برنامه‌موردی مهری رهبران سیاسی کشورهای در حال توسعه و همچنین سازمانهای کمک‌کننده قرار گرفت. در اواخر دهه ۵۰ و ۶۰ توسعه و ترویج کشاورزی و تأکید بر افزایش بهره‌وری کشاورزی به عنوان مهمترین عامل در توسعه روستایی مورد توجه قرار گرفت. چراکه کشاورزی منبع عمده درآمد و معاش اکثریت ساکنان مناطق روستایی را تشکیل می‌داد. از طرف دیگر، کشورهای در حال توسعه تا حد زیادی برای تولید غذا و مواد اولیه داخل کشور یا صادرات به کشاورزی وابسته بودند.

اگرچه جنبش توسعه اجتماعات محلی در خلال دهه ۵۰ به سرعت گسترش یافت و بسیاری از کشورهای در حال توسعه، توسعه جامعه ملی محلی را در پیش گرفتند، لیکن در اواسط دهه ۶۰ این برنامه‌موردی مهری رهبران سیاسی کشورهای در حال توسعه و همچنین سازمانهای کمک‌کننده قرار گرفت. در اواخر دهه ۵۰ و ۶۰ توسعه و ترویج کشاورزی و تأکید بر افزایش بهره‌وری کشاورزی به عنوان مهمترین عامل در توسعه روستایی مورد توجه قرار گرفت، چراکه کشاورزی منبع عمده درآمد و معاش اکثریت ساکنان مناطق روستایی را تشکیل می‌داد. از طرف دیگر، کشورهای در حال توسعه تا حد زیادی برای تولید غذا و مواد اولیه داخل کشور یا صادرات به کشاورزی وابسته بودند.

دهه ۱۹۷۰ شاهد تأکید بر افزایش مقدار بازده از یک قطعه زمین مناسب زراعی بود که به کمک استفاده از انواع محصول پربازده، کود شیمیایی، سموم ضد آفات و ماشین آلات کشاورزی انجام می‌گرفت. به عبارت دیگر تاریخ شاهد اجرای برنامه‌هایی تحت عنوان انقلاب سبز» بود. تا پایان دهه ۶۰ تلاشهای توسعه در اغلب کشورهای جهان سوم بیشتر مبتنی بر یک رهیافت کاملا بخشی و تحقق بیشتر رشد اقتصادی بود. از این رو به طرح ریزی بعد فضایی توجه کمی می‌شد. اما به مرور زمان روشن شد که نتایج این رهیافتهای کاملا نامطلوب بوده و نظریه‌های توسعه و سازمانهای ذریعتهای اعتراف کردند که برای افزایش تولید غذا، رفع کمبود انرژی و فراهم آوردن موجبات ایجاد اشتغال و رفاه اجتماعی به برنامه ریزی فضایی نیاز است. به این ترتیب طرح نظام نظام دهی و سامان‌یابی مراکز روستایی ۱۲ به عنوان محور توسعه روستایی مطرح گردید.

در خلال سالهای آغازین دهه ۱۹۷۰، نگرانی در مورد مضمونهای توزیعی رشد اقتصادی، بار دیگر به عنوان موضوع اصلی تفکر توسعه و سیاست توسعه ظاهر شد. این نگرانی سبب پیدایش دو روش جدید کمک‌توسعه گردید: یکی برنامه‌های توسعه همه‌جانبه روستایی ۱۳ و دیگری طرح نیازهای اساسی ۱۴.

به این ترتیب پس از یک دهه بی‌توجهی نسبی، توسعه روستایی مجدداً در اوایل دهه ۷۰ در صدر دستور کار سیاست توسعه قرار گرفت و در سال ۱۹۷۱ توسط سازمان خواربار و کشاورزی جهانی در رم، سمپوزیوم مهمی در مورد نهادهای کشاورزی برای توسعه همه‌جانبه روستایی تشکیل گردید. این سمپوزیوم منبای حرکتی شد تا سازمان منابعش را به سمت بهبود بهره‌وری و رفاه تهیدستان در فقیرترین کشورهایادیت کند. روش توسعه همه‌جانبه روستایی، مجموعه‌ای از چشم‌اندازهایی را که غالباً از نظر ذهنی و ایدئولوژیکی متضاد بودند در نظر می‌گرفت.

در سال ۱۹۷۳ کنگره امریکا به سازمان کمک توسعه امریکا دستور داد که تلاشهای خود را در راستای برآورده ساختن نیازهای اساسی فقیرترین مردم در کشورهای در حال توسعه هدایت کند. در سال ۱۹۷۴ کنفرانس جهانی غذا که از طرف سازمان ملل متحد برگزار شد، بیانیه‌ای را تصویب کرد که در آن خواستار ریشه‌کنی گرسنگی و سوءتغذیه تا سال ۱۹۸۵ شده بود. این اقدام با پیشنهادات تدبیر طرح ویژه توسط سازمان بین‌المللی کار در کنفرانس اشتغال جهانی سال ۱۹۷۶ دنبال گردید. روش نیازهای اساسی، نشانگر یک انحراف بنیادین از راهبرد مرسوم توسعه است. چرخش از رشد به عنوان معیار اجرایی اصلی به سمت آگاهی مجدد از اهداف و نیز از یک نفی در نفی (کاهش دادن بیکاری) به سمت یک بعد مثبت (رفع نیازهای اساسی) است. ۱۵

از دیگر راهبردهای توسعه روستایی، صنعتی کردن روستاهاست که در اواسط دهه ۷۰ و به

دنیال ناکامی کشورهای جهان سوم در ایجاد و گسترش صنایع متوسط و بزرگ (اغلب سرمایه‌بر و کاراندوز) در شهرها به تدریج مطرح شد. همانند هر طرح و حرکت صنعتی، یک برنامه به منظور صنعتی کردن روستاها نیز باید دست کم در ابتدا، در شمار محدودی از مراکز روستایی منتخب (مراکز رشد روستایی) متمرکز باشد که این‌گزینه‌ها نقاط رشد روستایی خودمستلزم تحلیل دقیق امکانات بالقوه توسعه در مناطق گوناگون است.

در اوایل دهه ۱۹۸۰ راه دیگری به نام تأثیر و نقش کارکردهای شهری در توسعه روستایی، از سوی عده‌ای از محققان مطرح شد که منشا آن به پروژه‌های حمایتی آمریکا برای توسعه بین‌المللی (USAID) در اواخر دهه ۱۹۷۰ برمی‌گشت. برنامه‌های UFRD کمک به تقلیل

روستایی و ناحیه‌ای را می‌توان به شرح زیر تقسیم‌بندی نمود: ۱۶

۲-۱- رویکردهای فیزیکی کالبدی

راهبرد حاصل از این رویکرد عبارت است از راهبرد توسعه و بهبود زیرساخت‌های روستایی ۱۷

۲-۲- رویکردهای اقتصادی

راهبردهای حاصل از این رویکرد عبارتند از:

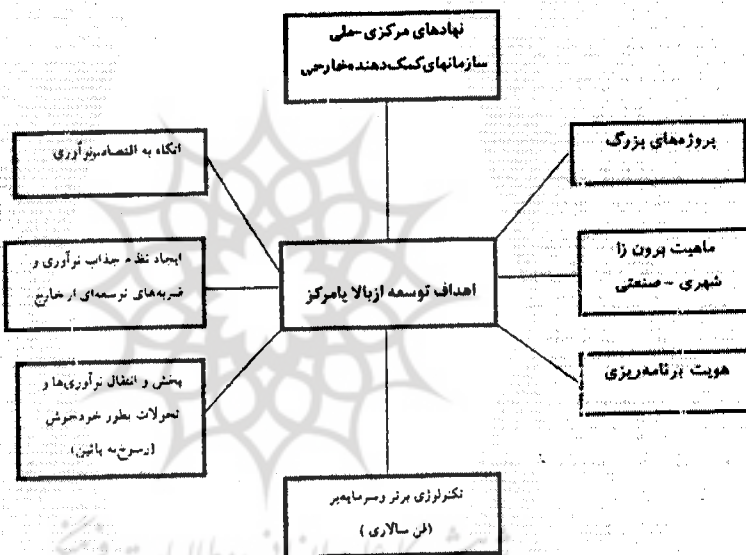
راهبرد انقلاب سبز ۱۸

راهبرد اصلاحات ارضی ۱۹

راهبرد صنعتی شدن روستا ۲۰

راهبرد نیازهای اساسی ۲۱

شکل ۱- توسعه از بالا یا مرکز



۲-۳- رویکرد اجتماعی فرهنگی

راهبردهای حاصل از این رویکرد عبارتند از:

راهبرد توسعه جامعه‌ای ۲۲

راهبرد مشارکت مردمی در توسعه

روستایی ۲۳

۲-۴- رویکرد های فضایی

ناحیه‌ای و منطقه‌ای ۲۴

راهبردهای حاصل از این رویکرد در برنامه ریزی روستایی را به این شرح می‌توان تقسیم کرد:

راهبردهای تحلیلی مکانی ۲۵

راهبرد توسعه روستا شهری (اگروپلین) ۲۶

راهبرد یوفرد ۲۷

راهبرد نظام سلسله مراتبی سکونتگاهها و

برنامه ریزی مراکز روستایی ۲۸

راهبرد توسعه یکپارچه ناحیه‌ای ۲۹

راهبرد توسعه زیست ناحیه ۳۰

راهبرد توسعه پایدار ۳۱

۲-۱- رویکردهای فیزیکی کالبدی

۲-۱-۱- راهبرد توسعه و بهبود

زیرساخت‌های روستایی

با توجه به رویکرد فیزیکی و کالبدی و راهبرد توسعه و بهبود زیرساخت‌ها، می‌توان گفت که زیرساخت‌های روستایی در واقع سرمایه‌های عمومی و اجتماعی روستاها هستند و توسعه زیرساخت‌های اجتماعی، فیزیکی و نهادی در بهبود شرایط و کیفیت زندگی و معیشت مردم محلی و دستیابی به کارایی مطلوب در زندگی اجتماعی و اقتصادی بسیار موثر است. توسعه زیرساخت‌های اجتماعی، مانند تسهیلات و خدمات بهداشتی و آموزشی در توسعه و بهبود منابع انسانی و در دستیابی به حداکثر کارایی فردی و اجتماعی نقش اساسی ایفا می‌کند. این راهبرد با توسعه و برنامه ناحیه‌ای در ارتباط نزدیکی است و هماهنگی خاصی را با یکدیگر طلب می‌کند. منظور از ایجاد توسعه و نگهداری زیرساخت‌های روستایی، تزریق نهاده‌های سرمایه‌ای به جامعه باتولید سنتی نیست، بلکه ایجاد روشها، نهادها و مدیریت جدیدی است که به مشارکت وسیع روستاییان نیازمند است. در حقیقت این راهبرد با مشارکت مردمی امکان پذیر است تا از مرحله طراحی برنامه و سرمایه‌گذاری ایجاد و نگهداری به طور آگاهانه و ارادی بگذرد.

۲-۲- رویکردهای اقتصادی

۲-۲-۱- راهبرد انقلاب سبز

یکی از راهبردهای حاصل از این رویکرد، راهبرد انقلاب سبز می‌باشد که در دو معنای متفاوت به کار می‌رود. یکی به معنی دگرگونی کلی در بخش کشاورزی است به طوری که این دگرگونی سبب تقلیل کمبود مواد غذایی و مشکلات کشاورزی می‌شود و دیگری به معنی بهبود نباتات خاص بویژه گسترش انواع بذرها، اصلاح شده گندم و برنج و تولید زیاد به کار می‌رود. ۳۲

بر اساس مطالعات 'میسرا' در این زمینه انقلاب سبز به هیچ وجه مهاجرت را کاهش نداده است و از آنجایی که اقلام محصولات پربازده در قسمتهایی که از وضعیت مطلوب برخوردارند به عمل می‌آید، باعث بروز اختلافات میان نواحی روستایی گردیده است. ۳۳

۲-۲-۲- راهبرد اصلاحات ارضی

از دیگر راهبردهای حاصل از رویکرد مذکور، اصلاحات ارضی می‌باشد. اغلب کشورهای جهان، به‌رغم تفاوت‌های ارزشی، ایدئولوژیکی و سیستم حکومتی در دیدگاه‌های موجود، در برنامه ریزیهای توسعه روستایی برای گذر از ساخت ارضی از یک حالت به حالت دیگر، اصلاحات ارضی را ضروری و لازم دانسته و اقدام به انجام آن نموده‌اند. به عبارت دیگر تجدید ساخت تولید و توزیع مجدد منابع

فقر روستایی و افزایش تولید و درآمد در مناطق روستایی را مورد هدف قرار داده بود. این پروژه‌ها در کشورهای جهان سوم از جمله فیلیپین، بولیوی و ولتای علیا و به تدریج در سایر کشورهای در حال توسعه تجربه شدند و غالباً نتایج جالب توجه و سودمندی حاصل گردید.

در نهایت و به عنوان آخرین دستاورد تحقیقات در زمینه توسعه روستایی، برنامه توسعه پایدار مطرح گردید. در دهه ۱۹۹۰ موضوع توسعه انسانی و حفظ تعادل زیست محیطی در محافل و متون توسعه‌ای بیش از گذشته مطرح شد. توسعه‌ای که ضامن حفظ توازن زیست محیطی از جمله در محیط روستایی و تأکید بر ارزشهای فرهنگی و انسانی باشد. با توجه به اینکه راهبرد توسعه پایدار برآیندی از رویکرد خدمات محور، اقتصاد و تحول در تولیدات، رویکرد اجتماعی انسانی محور و بسط مشارکت مردمی و رویکرد زیست‌ناحیه‌ای می‌باشد لذا ضروری است این رویکردها و راهبردها مورد بررسی و تحلیل قرار گیرند. با این دیدگاه رویکردها و راهبردهای برنامه ریزی

اقتصادی را از اهداف عمده برنامه‌های توسعه روستایی خود قلمداد نموده‌اند. از دیدگاه بسیاری از توسعه‌گران و نظریه پردازان نظیر میردال و تودارو «۳۲ اصلاحات ارضی کلید توسعه کشاورزی است. البته در بعضی موارد، به دلیل ساماندهی نامناسب خدمات پشتیبانی و اعتبارات، چیزی به درآمد زارعان خرده پا افزوده نمی‌شود. گرچه در عمل این امر به دلیل ناکافی بودن خدمات پشتیبانی و درست عمل نکردن به این برنامه‌هاست.

۳-۲-۲- راهبرد صنعتی شدن روستاها

یکی دیگر از راهبردهای مهم رویکرد اقتصادی، راهبرد صنعتی کردن روستاها

تفاوت‌های درآمد روستاییان و شهرنشینان بیشتر شده و مهاجرت را افزایش خواهد داد. این چشم انداز ایجاب می‌کند که اقدامات زیر در برنامه ریزی توسعه انجام شود:

الف) ایجاد مشاغل غیرزرعی و فعالیتهای درآمدزا

ب) رواج مراکز روستایی سطح پایین ۳۶ اهداف این راهبرد به طور کلی عبارتند از:

● ایجاد اشتغال غیرکشاورزی برای روستاییان بیکار یا نیمه کار در یک ناحیه

● کمک به جلوگیری از جریان مهاجرت به

مراکز شهری

● تقویت پایه‌های اقتصادی در مراکز

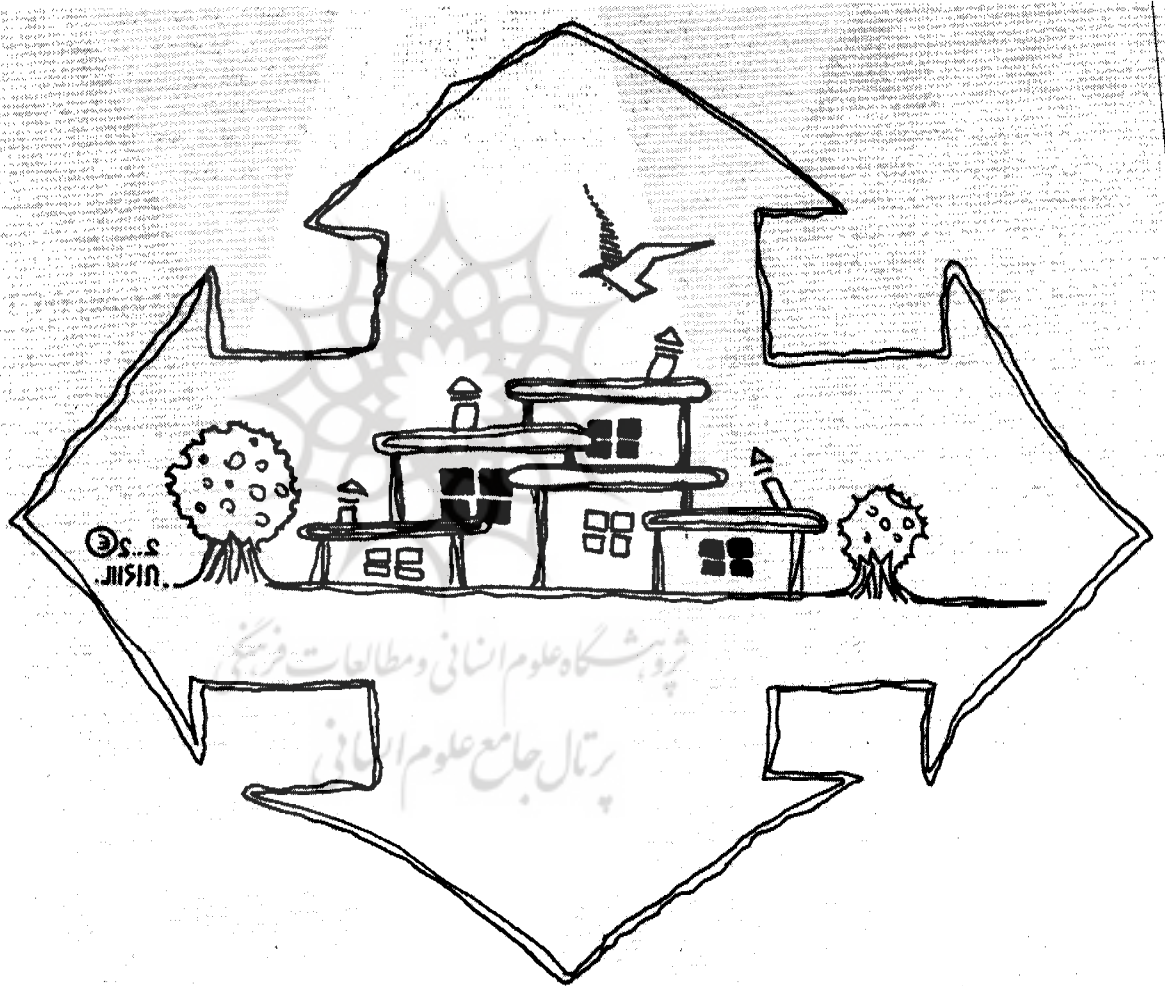
روستایی

● استفاده کامل از مهارت‌های موجود در

ناحیه

البته باید در نظر داشت که نگرش صنعتی شدن به عنوان موتور اصلی یا منحصراً به فرد توسعه، فقط یک روی سکه است. این کار نیاز به رهبری فنی، سازمانی، تجاری و آموزشی دارد و علاوه بر آن باید تمام جوانب دیگر توسعه یعنی توسعه یکپارچه و پایدار را نیز در نظر گرفت.

در راستای توسعه پایدار در مورد صنایع دستی نیز موضوع بقای صنایع دستی را می‌توان تا حدودی با این اندیشه توجیه کرد که بخش صنایع دستی پیوسته خود را با امکانات جدید وفق می‌دهد. در غیر این صورت می‌بایست سالها پیش کاملاً از بین رفته باشد. برای مثال، تولیدات لوکس محلی، تولید کالاهایی که نسبت به وزن دارای ارزش پایینی هستند و اقلامی که تقاضای خاص محلی و ناحیه‌ای را



برآورده می‌کنند به ندرت تحت تاثیر صنایع نوین قرار گرفته‌اند. ۳۷

بدین ترتیب الگوی زوال بخش صنایع دستی دارای تمایز آشکار بخشی بوده و همین پدیده در مفهومی فضایی جلوه کرده است. می‌توان حتی این بحث را پیش کشید که رشد صنایع نوین در کشورهای در حال توسعه به نوعی به انشعاب دووجهی در ساختار صنعتی این کشورها منجر شد. فعالیتهای صنعتی متوسط و بزرگ در محیط پرمهویت و مولد مناطق شهری هسته‌ای مستقر شدند و رشد

● فرآوری تولید کشاورزی محلی
● تهیه نهاده‌های اساسی و کالاهای مصرفی برای کشاورزان و دیگر افراد محلی
لازم به ذکر است که دو عامل اولیه و ضروری برای موفقیت برنامه صنعتی شدن روستاها مشهود است:

- ۱- فرایند برنامه ریزی دقیق، شامل تعیین صنعت مناسب برای نواحی خاص، جمع آوری اطلاعات، طرح ریزی، اجرا و پیگیری
- ۲- ادغام برنامه صنعتی شدن در برنامه ریزی مراکز روستایی

می‌باشد. نقش توسعه کشاورزی یا به عبارتی توسعه روستایی، بسیار حساس است. اما در عین حال باید با توسعه فعالیتهای صنعتی همراه باشد. ۳۵ در کشورهای آسیایی، صرفاً زراعت نمی‌تواند اشتغال کافی و سودمندی را برای جمعیت روستایی فراهم آورد. این موضوع نه تنها از فشار فراینده بر زمین نشأت می‌گیرد، بلکه از محدودیتهای نیز پدید آمده است که در ذات تقاضا برای محصولات کشاورزی یافت می‌شود. در نتیجه اگر هیچ اقدام کارسازی برای ایجاد اشتغال سودآور غیرزرعی به عمل نیاید،

یافتند. در عین حال نواحی روستایی حاشیه‌ای در فرایند صنعتی شدن مورد غفلت قرار گرفتند. به استثنای موارد خاص فرایندهای فرآوری مواد معدنی و کشاورزی، تولید صنعتی در نواحی روستایی به طور کامل برپایه واحدهای کوچک مقیاس صنایع دستی استوار بوده است. این واحدهای کوچک مقیاس تقاضاهای محلی را برآورده می‌کنند و از روشهای تولید سنتی و تا حدی نوین استفاده می‌کنند. در حالی که فرایند تولید از قبل با خانوار ارتباط تنگاتنگی داشته و هنوز نیز این ارتباط را حفظ کرده است. عقب ماندگی نسبی نواحی روستایی باعث شده است که در این نواحی تقاضا برای آن دسته از کالاهای مصرفی ارزان قیمت وجود داشته باشد که توسط صنایع محلی قابل تولید هستند. بهره وری پایین نیروی کار و تولید غالباً با اطمینان همراه نیست. ولی به رغم حاشیه‌ای بودن صنایع دستی، این نوع صنایع به سبب تناسب داشتن با الگوی اشتغال روستایی و به دلیل آنکه دست کم یک منبع درآمد اضافی هستند، پابرجا می‌مانند و باید این راهبرد، حمایت و گسترش یابد. توسعه صنایع روستایی در چین، نمونه مناسبی است از شیوه‌ای که این راهبرد در آن می‌تواند عمل کند.

۲-۲-۴ راهبرد نیازهای اساسی

از دیگر راهبردهای حاصل از رویکرد اقتصادی، راهبرد نیازهای اساسی ۳۸ می‌باشد. این راهبرد در جستجوی اتخاذ شیوه‌ای است تا بر اساس آن نیازهای اساسی فقیرترین بخش از جمعیت به درآمد و خدمات رادر طول یک نسل برطرف سازد. باید گفت که نیازهای اساسی هم درآمد (کار تولیدی) و هم خدمات را شامل می‌شود. عناصر اساسی و مهم این راهبرد عبارتند از:

چرخش از رشد به عنوان معیار اجرای اصلی به سمت نیازهای اساسی که از طریق اشتغال و توزیع مجدد صورت می‌گیرد. به عبارت دیگر از رشد اقتصادی به سمت توسعه اقتصادی سوق می‌یابد.

چرخش از اهداف ذهنی به اهداف عینی کاهش دادن بیکاری

از این رو رفع نیازهای اساسی تهیدستان، کانون مرکزی سیاستهای توسعه است و اهداف رشد جای خود را به هدفهای مصرفی می‌دهند و اهداف مصرفی به اهداف ویژه طرح تبدیل می‌شوند. ۳۹

راهبردهای نیازهای اساسی نسبت به دیگر سیاستها، کمتر بر سرمایه و واردات متکی خواهد بود. رفع نیازهای اساسی در نواحی روستایی نسبت به نواحی شهری، اتکای کمتری بر سرمایه و واردات خواهد داشت. اما این کار مستلزم جابجایی بیشتر مصرف منابع به سمت بخشهای خدمات و دولتی خواهد بود.

۲-۳-۲ رویکرد اجتماعی فرهنگی

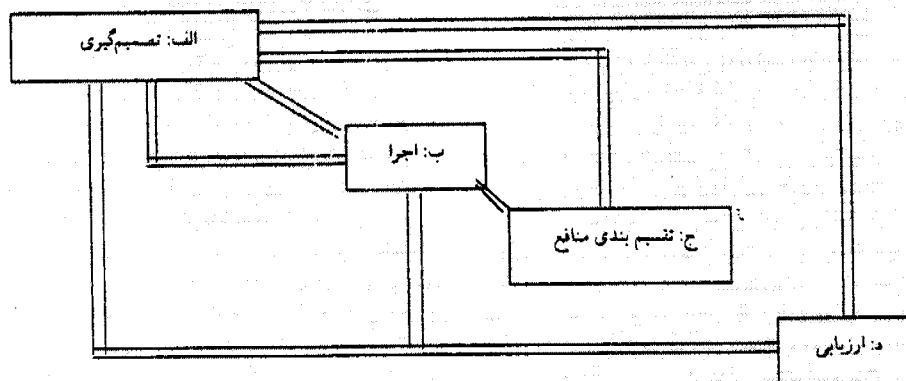
۲-۳-۱- راهبرد توسعه جامعه‌ای

یکی از راهبردهای حاصل از این رویکرد راهبرد توسعه جامعه‌ای ۴۰ می‌باشد. توسعه اجتماعی محلی اهداف توسعه اقتصادی اجتماعی را توأمأ شامل می‌شود و نوید می‌دهد که هم، پایه‌های نهادهای دموکراتیک را بنا کند و هم در تامین رفاه مادی روستاییان مشارکت نماید.

۲-۳-۲- راهبرد مشارکت مردمی

از راهبردهای مهم دیگر رویکرد مذکور، راهبرد مشارکت مردمی می‌باشد. از این دیدگاه مردم هم وسیله توسعه‌اند و هم هدف آن. یکی از اهداف بنیادین توسعه روستایی مشارکت مردم در امر توسعه است. طرحهای توسعه روستایی چه به لحاظ ماهیت طرحها و چه به علت محدودیت امکانات و منابع دولتی، نیازمند مشارکت در ابعاد وسیع هستند. بر این اساس مشارکت مردم در مراحل برنامه ریزی و اجرا از دو جنبه بسیار مهم است: اول اینکه، اگر اهداف و برنامه‌های توسعه روستایی در سطح محلی بدون در نظر گرفتن مسائل و نیازهای مردم محلی تنظیم شوند قادر به حل یا تعدیل مسائل و معضلات جامعه محلی نخواهند بود. دوم اینکه، اگر حکومتها مردم را به مشارکت فقط در فرایند برنامه ریزی و ادارند با تشویق نماینده (و نه در مرحله اجرا) مردم به منزله ناظر عمل

چهار جنبه از مشارکت در توسعه و عمران



خواهند کرد. بنابراین باید رهنمودی را برای برنامه ریزی توسعه روستایی ترسیم کرد که دارای مکانسیم از بالا به پایین و نیز از پایین به بالا بوده و در فرایند برنامه ریزی ضامن مشارکت مردم در سطح محلی و در ابعاد مختلف برنامه ریزی و اجرا باشد. در همین زمینه در سطح محلی نیز استفاده از تکنیکهای مشارکتی از نظر مکانسیم پایین به بالا بسیار مهم و حایز اهمیت می‌باشد. ۴۱ از این دیدگاه خطوط کلی محوریت قرار دادن مردم در جنبه‌های زیر تاکید دارد:

تاکید بر نیازهای اساسی مردم

تشویق مشارکت مردم در هر مرحله از فرایند برنامه ریزی

بسط و ترویج سرمایه گذاریهای کوچک که مردم قادر به اجرای آنها باشند

کاهش هزینه‌های مردم و در مقابل افزایش درآمدهای آنان

تشویق مردم در جهت تداوم و نگهداری پروژه‌های توسعه

با مشارکت دادن مردم در توسعه و عمران نواحی، فواید زیادی در اجرای طرحها و پروژه‌ها به وجود می‌آید که مهمترین آنها عبارتند از:

کاهش زمان اجرای طرحها و پروژه‌ها

کاهش هزینه طرحها و پروژه‌ها

بهره برداری بهینه از طرحها و پروژه‌ها

حفاظت و نگهداری بهتر از طرحها و پروژه‌ها

افزایش میزان آگاهی مردم

در این زمینه تنگنانهایی نیز وجود دارند که عمده‌ترین این تنگناها را می‌توان به شرح زیر بیان نمود:

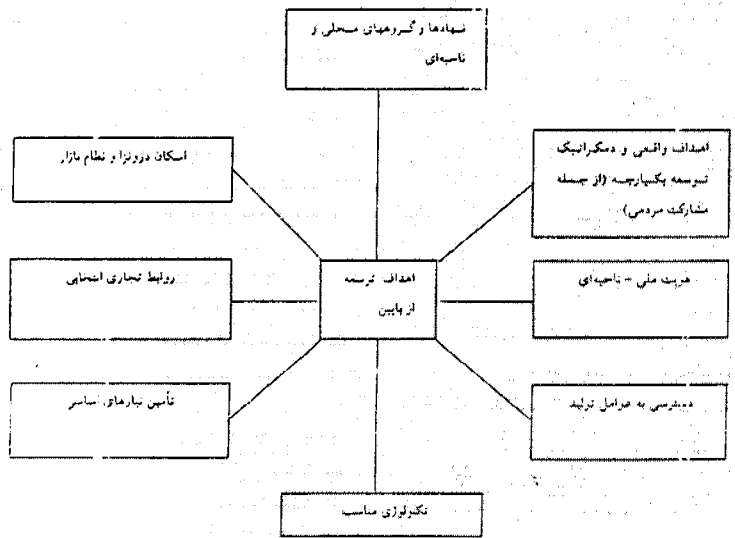
تنگناها و موانع اجتماعی و فرهنگی مثل عدم آگاهی، پایین بودن سواد و سنت گرایی و عدم پذیرش نوآوری و...

تنگناها و موانع اقتصادی مثل عدم انطباق فصول بیکاری با زمان اجرای طرحها و پروژه‌ها و عدم توانایی مالی و...

تنگناها و محدوده‌های مدیریتی مثل عدم وجود الگوی مشارکتی، تمرکز قدرت تصمیم‌گیری، بوروکراسی اداری، عدم هماهنگی سازمانها و تشکیلات مربوطه و...

به مفهوم مشارکت می‌توان از دریچه‌های گوناگونی نگریست که در این میان جنبه فلسفی (مشارکت به عنوان راهبردی برای توسعه انسانی)، جنبه روانشناختی (افزایش عزت نفس و اعتماد به نفس)، جنبه سیاسی (افزایش کنترل بر تغییر اجتماع)، اراده‌گرایی مشارکت (کمک داوطلبانه مردم به یک طرح عمومی) و دخالت دادن اجتماعی (مشارکت در حل و فصل مسائل خودشان) وجود دارند.

شکل ۲- سمت گیری اصولی توسعه از پایین و از درون و ناشی از خود اتکایی انتخاب



ج) مشارکت در سهم بندی سود

زمانی که پروژه‌ها عمدتاً توسط افراد خاصی از روستاها یا همکاری دولت برنامه ریزی و اجرا شوند، منافع پروژه به طور نامتناسب به همان افراد خاص تعلق می‌گیرد. لذا توزیع عادلانه منافع، مستلزم مشارکت همه جانبه روستاییان در برنامه ریزی و اجرا است. در این رابطه، کنش متقابلی بین توزیع منفعت و انگیزه مشارکت بیشتر وجود دارد. به عبارت دیگر، اگر روستاییان بدانند که سهم بیشتری از منافع ناشی از توسعه دارند، به طور موثرتری در تصمیم گیری و اجرا مشارکت می‌کنند. در مشارکت همه جانبه تأکید بر این است که تا حد امکان منافع ناشی از پروژه‌های عمرانی برای عموم روستاییان باشد، مگر اینکه گروه خاصی در ارتباط با پروژه خاصی مطرح باشد. ۴۵

د) مشارکت در ارزیابی

منظور از مشارکت در ارزیابی، رساندن اطلاعات توسط افراد سطوح پایین به مدیر پروژه است تا نقص پروژه‌ها برطرف گردد. این مرحله شامل بازنگری، جمع آوری و پیگیری اطلاعات مربوط به پروژه‌ها و هدفها و شرایط و فعالیتهای تکمیلی برای موفقیت پروژه‌ها می‌شود. ارزیابی مشارکت، کارایی تصمیم گیری و اجرا را افزایش می‌دهد و فرصتهای مشارکتی بیشتری برای اعضای بیشتر به وجود می‌آورد. در نهایت باور متخصصان توسعه برای این است که هرچه میزان مشارکت روستایی در فرایند توسعه بیشتر باشد، خوداتکایی روستایی افزایش یافته و روستایی احساس می‌کند که نیازی به موسسات بیرونی برای توسعه ندارد. از سوی دیگر، مشارکت موثر همیشه میزان اعتماد به نفس را افزایش می‌دهد، لذا اگر روستایی (بخصوص اقشارضعیف) در جریان توسعه مشارکت نکنند، گروههای خاصی کنترل جریان توسعه را به دست می‌گیرند و حاصل آن چنین خواهد شد که هدفهای توسعه منطبق بر خواسته‌های آن گروه خاص باشد و دیگر جنبه همه‌جانبه نخواهد داشت. البته در این امر مشارکت باید کاملاً داوطلبانه باشد. مشارکتهای اجباری به هیچ وجه منفعت ساز نخواهد بود. در مشارکتهای اجباری، اغلب، کارشناسی وجود دارد. هرگاه روستایی به میل و احساس می‌کند که امری بر او تحمیل شده است. به وجود آمدن چنین احساسی، باعث تأثیر منفی مشارکت بر حاصل و نتیجه توسعه می‌شود.

منابع و ماخذ:

- الف) منابع فارسی
- ۱) اسایش، حسین (۱۳۷۴) اصول و روشهای برنامه ریزی ناحیه‌ای، تهران، انتشارات پیام نور.
- ۲) اسایش، حسین (۱۳۷۸) توسعه روستایی، تهران، دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات.

در حال حاضر در کشور مشارکت موثری در انواع تصمیم‌گیریهای سطوح محلی وجود ندارد. ولی راههایی که در بعضی از کشورهای در حال توسعه جهت جلب مشارکت مردم در اجرای برنامه‌های محلی اتخاذ می‌گردد عبارتند از: همکاری در اجرای طرحها، تفویض قدرت تصمیم‌گیری در سطوح خرد و محلی، همچنین انتخاب رهبران محلی جهت تحقق برخی فعالیتهای عمرانی و مشارکتی.

ب) مشارکت در اجرا

اجرا، یکی از اجزای اصلی مشارکت است که در این زمینه روستاییان به سه شکل می‌توانند مشارکت نمایند:

۱) مشارکت در عملیات: حتی زمانی که روستاییان در تصمیم‌گیری شرکت کنند، مشارکت در عملیات خود به خود صورت نمی‌گیرد، چراکه ممکن است روالهای اجرا بسیار پیچیده یا بسیار فنی باشد یا فراهم کردن شرایط مشارکت بسیار دشوار باشد و یا ممکن است بین موسسات و دستگاههای اجرایی در امر توسعه روستایی در مرحله اجرا به دلیل منافی که دارند کارشناسی کنند و به سود خودشان قضیه را حل نمایند.

۲) مشارکت در مدیریت: از آنجایی که مدیریت پروژه را همه روستاییان با هم نمی‌توانند انجام دهند، روستاییان باید تعدادی از میان خود که سابقه مدیریت و رهبری در کارهای قبلی را دارند انتخاب کنند. نقش این نمایندگان در روند کیفی کارها، کنترل امور اجرایی پروژه‌ها و در نهایت پیشبرد کار بسیار مفید و موثر است.

۳) مشارکت در آگاهی‌دادن: روستاییان باید جریانات پروژه را مرتباً معرفی کنند: زیرا با معرفی هرچه بیشتر، آگاهی بیشتری در مورد پروژه به وجود می‌آید و نتیجه مستقیم آن موجب افزایش تعهد در تحقق هدفهای پروژه می‌شود. ۴۴

در این رهیافت، مشارکت به عنوان موضوع اصلی تلقی می‌گردد و بیش از هر چیز به مشارکت بانهدستان روستایی مربوط می‌شود که این نه تنها به علت در اکثریت قرار داشتن آنهاست، بلکه عمدتاً به دلیل آن است که در جریان توسعه تا حدی به فراموشی سپرده می‌شود.

مشارکت در حکم وسیله‌ای برای گسترش و توزیع دوباره فرصتها به منظور مشارکت در تصمیم‌گیری اجتماعی، کمک به توسعه و بهره‌مند شدن از ثمرات آن است. چنانچه مشارکت مربوط به قدرتی باشد که عده‌ای از مردم بر عده‌ای دیگر اعمال می‌کنند و دلالت بر کوشش آگاهانه داشته باشد که در جهت توزیع مجدد کنترل بر منابع و قدرت به سود کسانی که تاکنون از آن محروم بوده‌اند قدم بردارد، می‌توان آن را در طرحهای توسعه روستایی در ارتباط با موارد زیر مورد تجزیه و تحلیل قرار داد که عبارتند از:

مرحله تصمیم‌گیری، اجرا، تقسیم منابع، ارزشیابی امکانپذیری و قابل تجزیه و تحلیل بودن. این موارد در نمودار به نمایش گذاشته شده است: ۴۲

الف) مشارکت در تصمیم‌گیری

جنبه تصمیم‌گیری یا برنامه ریزی، به تعیین هدفهای غایی، هدفهای کمی، فعالیتهای، بسیج و تخصیص منابع، روالهای اجرا و ساختار مدیریت مربوط می‌شود که در کلیه موارد با مشارکت روستاییان انجام می‌گیرد. نتیجه مشارکت عامه در تصمیم‌گیری، کاهش تمرکزگرایی، افزایش همکاری در سطوح خرد و محلی و برپاداری مکانیسمهای برنامه ریزی در سطح ملی است. چنین مشارکتی در تصمیم‌گیری، واقع‌گرایانه‌تر است. زیرا اولویت بندی در تعیین موضوعات توسعه، با خود روستاییان است و از خود بیگانگی نسبت به امر توسعه وجود نمی‌آید. ۴۳

۳ استعلاجی، علیرضا (۱۳۸۰) آشنایی با توسعه پایدار و یکپارچه روستایی، تهران، انتشارات جهادکشاورزی.

۴ استعلاجی، علیرضا (۱۳۸۰) نقش جغرافیای کاربردی در برنامه ریزی روستایی، مشهد، سمینار قابلیت‌های جغرافیا در برنامه‌ریزی توسعه

۵ استعلاجی، علیرضا (۱۳۸۰) آشنایی با نظام برنامه ریزی روستایی و نقش شورا در آن با تأکید بر شیوه‌های مشارکتی، تهران، انتشارات جهاد کشاورزی.

۶ استعلاجی، علیرضا و عبدالرضا مسلمی (۱۳۸۰) آشنایی با مدیریت محلی و برنامه ریزی منطقه‌ای، تهران، انتشارات جهاد کشاورزی.

۷ ازکیا، مصطفی (۱۳۶۴) مقدمه‌ای بر جامعه ناسی توسعه روستایی، تهران، نشر اطلاعات.

۸ البوت، جنیفر (۱۳۷۸) مقدمه‌ای بر توسعه پایدار در کشورهای در حال توسعه، مترجم عبدالرضارکن‌الدینی افتخاری و حسین رحیمی، تهران، موسسه روستایی ایران.

۹ جهاد دانشگاهی دانشگاه تربیت معلم (۱۳۷۸) توسعه یکپارچه روز و ماهرو، زیر نظر معاونت بهسازی و عمران جهادسازندگی.

۱۰ حسنت، عبدالهی (۱۳۶۸) توسعه روستایی همه جانبه، مروری بر موضوعات اصلی، سلسله‌انتشارات روستا و توسعه، سال ۷، شماره ۱، تهران، وزارت جهاد سازندگی، مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی.

۱۱ خانی، فاضله (۱۳۷۶) بهسازی روستایی و نقش آن در روند توسعه روستاهای ایران، تهران، دانشگاه تربیت مدرس.

۱۲ راتن، ورنون دبیلو (۱۳۶۹) طرح‌های توسعه همه جانبه روستایی.

۱۳ زیاری، کرامت‌الله (۱۳۷۸) اصول و روش‌های برنامه ریزی منطقه‌ای، یزد، دانشگاه یزد.

۱۴ شکونی، حسین (۱۳۶۸) جغرافیای کاربردی و مکتب‌های جغرافیایی، انتشارات آستان قدس.

۱۵ صرافی، مظفر (۱۳۷۷)، مبانی برنامه ریزی منطقه‌ای، تهران سازمان برنامه و بودجه.

۱۶ علیراده، نادر (۱۳۷۸) توسعه یکپارچه روستایی، تهران، واحد علوم و تحقیقات.

۱۷ فرید، بدالله (۱۳۶۵) شهر و شهرشناسی، انتشارات دانشگاه تبریز.

۱۸ الهسانی زاده، عبدالعلی (۱۳۷۴) توسعه روستایی همه جانبه، اقتصادی کشاورزی و توسعه، شماره ۹.

۱۹ مسلمی، عبدالرضا (۱۳۷۷) گزارش دوره آموزشی روش‌های برنامه ریزی توسعه یکپارچه روستایی در کشور بنگلادش، تهران، وزارت جهاد سازندگی، معاونت ترویج و مشارکت مردمی، دفتر مشارکت و سنج مردمی.

۲۰ مومنی، مهدی (۱۳۷۷) اصول روش‌های برنامه ریزی ناحیه‌ای، اصفهان، انتشارات گویا.

۲۱ مهندسان مشاور DHV از هلند (۱۳۷۱)، رهنمودهایی برای برنامه ریزی مراکز روستایی، مترجمان سید جواد میر و دیگران، تهران مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی، سلسله انتشارات توسعه و روستایش ۱۰.

۲۲ مهندسان مشاور از هلند DHV (۱۳۷۵) رهنمودهایی برای برنامه ریزی مراکز روستایی، (جلد دوم) تصنیف کردن روستاها، مترجمان بهنام شاهپوری و دیگران، تهران، انتشارات مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی، سلسله انتشارات توسعه و روستا.

۲۳ نصیری، حسین (۱۳۷۹) توسعه پایدار، چشم انداز جهان سوم، تهران، انتشارات فرهنگ و اندیشه.

۲۴ وزارت جهاد کشاورزی (۱۳۷۷) طرح ملی ساماندهی فضا و مراکز روستایی.

ب) منابع انگلیسی

25 Brohan, Jhon (1998) Popular development, London, Blackwell Publishers.

26 Carman, Ralf (1996) Autonomous development London and Newjersey, ZedBooks.

27 Court, Dela (1990) Beyond bradfland- Green development in the19990, Lndon, ZedBooks.

28-Dennis A. Roudinelli (1981) Applied methods of regional analysis

29- Friedman, G. Mduyfass (1975) A grophtaan development, Toward anew stde for regional planning in Asu. Nugoyo, United Nations Center forregional development.

30 Escap (1979) Guidelines for rural center planning, NewYork, United.

31 Etzioni (1994) The spirit of community NewYork Sinom, Schuster.Sarrali.

32- Internatoma Labour Office (1977) Employment Growth and Basicneeds, NewYork, Praeger Publisher.

33 George, Vic (1988) Wealth, Poverty and starvation, NewYork, St Martins Press.

34 Griffin, Keith (1989) Alternative strategiv for economicdevelopment, London, MacMillan.

35- pearson Commission (1970) International Development.

36 Robert Opethr (1994) System a hierergum planning regional studies.

پی نوشت:

۱ مهندسان مشاور DHV از هلند (۱۳۷۱)، رهنمودهایی برای برنامه ریزی مراکز روستایی، مترجمان سید جواد میر و

دیگران، تهران مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی، سلسله انتشارات توسعه و روستایش ۱۰، ص ۳۱.

۲ جنیفر، آ. البون (۱۳۷۸) مقدمه‌ای بر توسعه پایدار در کشورهای در حال توسعه، مترجم عبدالرضارکن‌الدینی افتخاری و حسین رحیمی، تهران، موسسه روستایی ایران، ص ۸.

۳ برای مطالعه بیشتر به منابع زیر مراجعه شود:
نصیری، حسین (۱۳۷۹) توسعه پایدار، چشم انداز جهان سوم، تهران، انتشارات فرهنگ و اندیشه.

4- evolutionists

5- Dependency

6- Spatlapolarization

7- Center Periphery

8- Sustainable Development

۹ برای مطالعه بیشتر به منابع زیر مراجعه گردد:

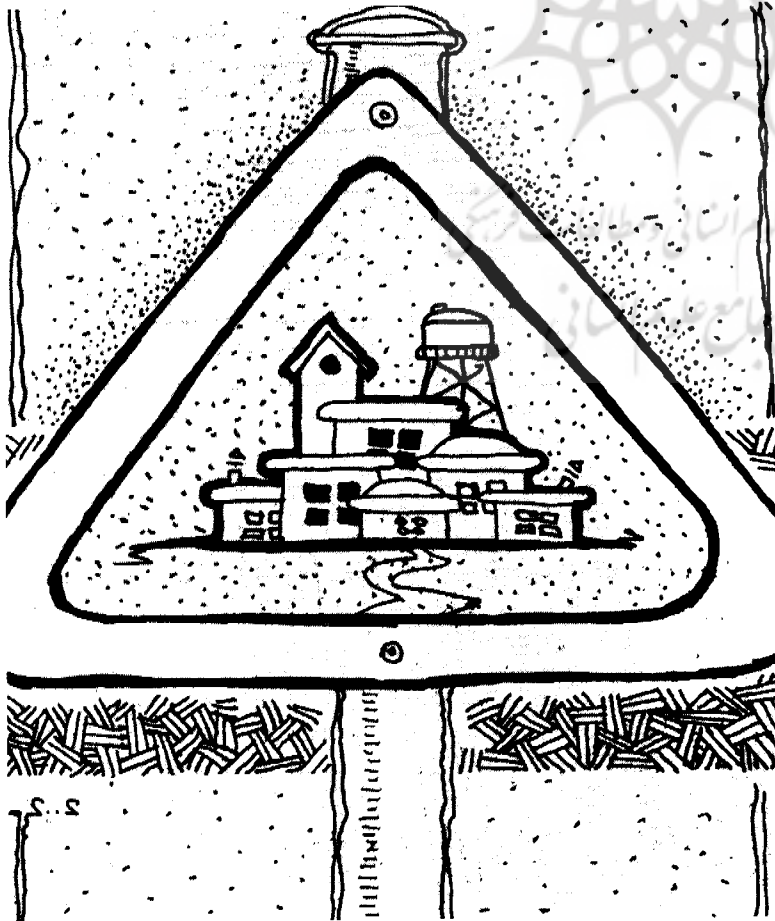
آسایش، حسین (۱۳۷۴) اصول و روش‌های برنامه ریزی روستایی، تهران، انتشارات پیام نور.

استعلاجی، علیرضا (۱۳۸۰) آشنایی با توسعه پایدار و یکپارچه روستایی، تهران، انتشارات جهادکشاورزی.

استعلاجی، علیرضا (۱۳۸۰) کاربرد جغرافیا در برنامه ریزی روستایی، مشهد، سمینار قابلیت‌های جغرافیای در برنامه ریزی توسعه

۱۰- جهت مطالعه بیشتر به ماخذ زیر مراجعه کنید:

جهاد دانشگاهی، دانشگاه تربیت معلم (۱۳۷۸) توسعه یکپارچه روز و ماهرو، زیر نظر



در کشورهای آسیایی، صرفاً زراعت نمی‌تواند اشتغال کافی و سومندی را برای جمعیت روستایی فراهم آورد. این موضوع نه تنها از فشار فزاینده بر زمین‌نشاط می‌گیرد، بلکه از محدودیت‌هایی نیز دید آمده است که در ذات تقاضا برای محصولات کشاورزی یافت می‌شود. در نتیجه اگر هیچ اقدام کارسازی برای ایجاد اشتغال سودآور غیرزراعی به عمل نیاید، شهرنشینان بیشتر شده و مهاجرت را افزایش خواهد داد.

معاونت بهسازی و عمران جهادسازندگی، ص ۵۱۰

کرامت الله زیاری (۱۳۷۸) اصول و روشهای برنامه ریزی منطقه‌ای، یزد، دانشگاه یزد، ص ۱۰۵-۱۰۶

مهدی مومنی (۱۳۷۷) اصول روشهای برنامه ریزی ناحیه‌ای، اصفهان، انتشارات گویا، ص ۳۷-۴۰

مهندسان مشاور از هلند DHV (۱۳۷۳) رهنمودهایی برای برنامه ریزی مراکز روستایی، مترجم، سیدجواد میر و دیگران، تهران، مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی، سلسله انتشارات روستا و توسعه، ش ۱۰، ص ۱۱۳-۱۱۱.

11- Community Development

12- Rural Center

13- Integrated Rural Development

14- Basic Needs

۱۵- راتن، ورنون دبلیو، طرحهای توسعه همه جانبه روستایی، ص ۱۱.

۱۶- استعلاجی، علیرضا (۱۳۸۰) کاربرد جغرافیا در برنامه ریزی روستایی، مشهد، سمینار قابلیت‌های جغرافیا در برنامه ریزی توسعه

17- improvement of infrastructures

18- Green Revolution

19- Land Reformation

20- Rural industrialization

21- Basic Needs

۲۲- Community Development

23- Popular Participation

24- Rural - Area - Regional Development Policies

25- Place analization

26- Agropolitan Development

27 - (U.F.R.D) Urban Function in Rural Development

28- Rural Central Planning

29- Integrool area - Development

30- Life Territory

31- Sustainable Rural Development

۳۲- مصطفی ازکیا (۱۳۶۴) مقدمه‌ای بر جامعه شناسی توسعه روستایی، تهران، نشر اطلاعات، ص ۱۸۱.

۳۳- فضیله خانی (۱۳۷۶) بهسازی روستایی و نقش آن در روند توسعه روستاهای ایران، تهران، دانشگاه تربیت مدرس، ص ۱۰۸

34- Mirdal & Todaro

۳۵- مهندسان مشاور DHV از هلند (۱۳۷۵) رهنمودهایی برای برنامه ریزی مراکز روستایی، مترجم سید جواد میر و دیگران، تهران، انتشارات مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی، سلسله انتشارات روستا و توسعه، ش ۲۰، ص ۵۸.

۳۶- مهندسان مشاور DHV از هلند (۱۳۷۵) رهنمودهایی برای برنامه ریزی مراکز روستایی، (جلد دوم) صنعتی کردن روستاها، مترجمان بهنام شاهپوری و دیگران، تهران، انتشارات مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی، سلسله انتشارات روستا و توسعه، ش ۲۳.

۳۷- برای مطالعه بیشتر به همان مآخذ، ص ۳۶۳۷-مراجعه شود.

38- Basic Needs

۳۹- برای مطالعه بیشتر به مآخذ زیر مراجعه شود:

حسین آسایش (۱۳۷۸) توسعه روستایی، تهران، دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات، ص ۳۹.

علیرضا استعلاجی (۱۳۸۰) اهمیت تاسیسات زیربنایی و خدمات عمومی روستایی و نحوه و نگهداری آنها، تهران، انتشارات جهاد کشاورزی، ص ۱۵۲۰.

علیرضا استعلاجی، (۱۳۸۰) نقش جغرافیا کاربردی در برنامه ریزی روستایی، مشهد، سمینار قابلیت‌های جغرافیا در برنامه ریزی توسعه، ص ۱۴

مهندسان مشاور DHV از هلند (۱۳۷۵).

پوزش

به استحضار خوانندگان محترم می‌رساند پی‌نوشتها و منابع خارجی مقاله «کشاورزان زن و اثربخشی فعالیت‌های ترویجی» که از آقای مهندس رضا موحدی عضو محترم هیات علمی دانشگاه بعلی سینا در شماره اخیر به چاپ رسیده به اشتباه حذف شده بود. ضمن پوزش از آقای موحدی و با کسب اجازه از ایشان به دلیل حجم زیاد منابع لاتین، صرفاً به ذکر پی‌نوشت‌های مقاله فوق اکتفا می‌کنیم:

۱ کشور ترینیداد (Trinidad) جزیره‌ای است در کرانه شمال شرقی ونزوئلا در امریکای جنوبی ۵۱۲۸۸ کیلومتر مربع وسعت که پایتخت آن Port-of-spain می‌باشد.

۲ منظور از زنان یا زنان روستایی در این تحقیق، زنان کشاورزی است که مالک زمین کشاورزی هستند یا فاقد زمین زراعی اند ولی به کار کشاورزی برای دیگران مشغول هستند.

۳ Subject matter specialise: متخصص موضوعی

۴ word conference on Agrarian reform and royal development: کنفرانس جهانی اصلاحات

ارزی و توسعه روستایی

۵ acre: ایکر یا جریب فرنگی واحد اندازه‌گیری زمین معادل ۴/۰۴۷ متر مربع یا ۰/۷ هکتار

بخش عمده این مطالب ترجمه و تلخیص نتایج و یافته‌های یک پژوهش میدانی در چهار کشور انتخابی از کشورهای در حال توسعه یعنی تایلند، سوریه، نیجریه و ترینیداد است که در قالب یک کتاب با عنوان «بهبود ارتباط و اثربخشی فعالیت‌های ترویج کشاورزی در خصوص کشاورزان زن» توسط فانو در سال ۱۹۹۶ به چاپ رسیده است.

رهنمودهایی برای برنامه ریزی مراکز روستایی، مترجم سیدجواد میر و دیگران، تهران، انتشارات مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی، سلسله انتشارات روستا و توسعه، ش ۱۰، ص ۴۰.

40 Community Development

۴۱- برای مطالعه بیشتر به منابع زیر مراجعه گردد:

آسایش، حسین (۱۳۷۸) توسعه روستایی، تهران، دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات استعلاجی، علیرضا (۱۳۸۰) آشنایی با نظام برنامه ریزی روستایی و نقش شورا در آن با تاکید بر شیوه‌های مشارکتی، تهران، انتشارات جهاد کشاورزی.

استعلاجی، علیرضا و عبدالرضا مسلمی (۱۳۸۰) آشنایی با مدیریت محلی و برنامه ریزی منطقه‌ای، تهران، انتشارات جهاد کشاورزی.

۴۲- حسنت، عبدالحی (۱۳۶۸). توسعه روستایی همه جانبه، مروری بر موضوعات اصلی، سلسله انتشارات روستا و توسعه، سال ۷، شماره ۱، تهران، وزارت جهاد سازندگی سابق، مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی، صفحه ۳۲.

۴۳- عبدالعلی لهسایی زاده (۱۳۷۴). توسعه روستایی همه جانبه، اقتصادی کشاورزی و توسعه، شماره ۹، صفحه ۹۸.

۴۴- حسنت، عبدالحی (۱۳۶۸). توسعه روستایی همه جانبه، مروری بر موضوعات اصلی، سلسله انتشارات روستا و توسعه، سال ۷، شماره ۱، تهران، وزارت جهاد سازندگی سابق، مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی، صفحه ۳۶-۳۵.

۴۵- عبدالعلی لهسایی زاده (۱۳۷۴). توسعه روستایی همه جانبه، اقتصادی کشاورزی و توسعه، شماره ۹، صفحه ۱۰۰.